

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومی (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

کَمَلَاتِین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطر
دو قران است

(روزنامه یومیه من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

یکشنبه ۷ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۷ دیمه جلالی ۸۲۹ و ۱۲ ژانویه ۱۹۰۸ میلادی

که خدا برکت بدهد باینکه اغلب از تمام قنون فضایل بی بهره بلکه بفالسب و ذائل الوده بودند و از بی کفایتی وضع خانه خود را نمیتوانستند مرتب کنند باز بهر یک که سلطنت هفت اقلیم باصدارت قطعات خسته روی زمین تکلیف میشد نمی توانم نمی گفتند و با کمال مناعت طبع بعهده مبر گرفتند مقام لیاقت و استعداد خود را بمراتب از آن شغل مرجوعه بالاتر میدانستند بلکه همیشه از گردش چرخ و ناسازی زمان باندیشان و همنشینان شکوه میکردند که مقام و مرتبه مادر این ملک مجهولست و قدر ما نامعلوم اوقات عزیز ما را باینگونه کارهای ناقابل ضایع میکنند این مشاغل پست درخور مقام منبع جا کران ما هم نیست تا چه رسد بمغالغ هم خدمات مرجوعه را بعهده اجزا از قبیل ناظر و میرزا و گذاشته عمر خود را صرف عیش و عشرت باشاهدان شیرین کار و شوخان شکر گفتار میکردند. چون در هیچ شغل مؤاخذه و مسؤلیت در کار نبود بایشان هم کارها دشوار نمی نمود هر اداره که بهر کس رجوع میشد چندی اوضاع آن اداره را مغشوش و در هم و جیب و بغلا ملو از دینار و درهم کرده بر زمین می گذاشت هنوز این نگذاشته دیگری برمی داشت آنهم چندی بدین منوال رفتار کرده بصد و زر و وبال مالی جمع نموده تبه استیبال خود را میدید خلاصه بهمین قسم کارهای مملکتی و ادارات دولتی روزگار دراز باز بجه دست سفهای خود خواه بوده و دست بدست گردیده تا باین عهد و دوره رسیده که آغاز مشروطیت ایران و تمدن ایرانیان است حال باید دانست که وضع امروز ایران با سابق تفاوت از زمین تا آسمان است امروز مسؤلیت در کار است امروز مواخذه در پیش است امروز باید برای کار مرد پیدا شود نه برای مرد کار امروز وزیر باید دارای علم

(کار را بکار دان باید سپرد)
تمام خرابیها و کلیه صدماتی که بملة و دولت ایران روی داده ناشی از همین يك نکته است و ویرانی این مملکت از عدم مراعات همین يك ملاحظه ذلته رعیت و بیچارگی دولت را جز این علة نیست که عموم کارها جزئی و کلی شرعی و عرفی غالب با غیر اهلس بوده است از هیئت کابینه حالیه نهایت تشکر را داریم و این مسئله را تخصیص بوزارتخانهها نمیدهم بلکه میگویم از صدر اعظمی تا وکیل فوج باید بملاحظه قابلیت و لیاقت باشد و الا ما بقدر سر سوزنی در طریق ترقی پیش نخواهیم افتاد ولی چون وزراء و رجال اعضای عامله مملکتند و وزارتخانهها منشأ ترقی دولت لذا ادارات دولتی را موضوع بحث قرار داده چه در ایشان دقت و سعی لازم تر است زیرا که عزت و ذلته دولت منوط است بلیاقت و عدم لیاقت آنان در سابق بر این ابد ملاحظه این نکته در کار نبود هر کس بدون ملاحظه کفایت خود یا بدادن رشوه یا ندادن دخیل هر کاری که میخواست میشد و هر کار را بهر کس که میخواست رجوع میکردند مثلاً کسیرا که از حقوق تجارت و وظایف تجار هیچ آگاهی نداشت بوزارت تجارت نصب میکردند یا شخصیرا که از فن محاکمه و علوم قضاوت بکلی بی بهره بود وزیر عدلیه اش میکردند و همچنین سایر ادارات و مناصب بکسانیکه اپدا مناسب با وضع و حال آنها نبود رجوع میکردند معمار را رئیس نظام میکردند و آبدار را امیر خاص و عام میکردند این بود که تمام ادارات خارج از وضع و ترتیب و هر لحظه خرابیهای عجیب و غریب رخ مینمود تمام خرابیها و دردهای بیدرمان ملة و دولت از این شد که کار در دست غیر اهلس بود بزرگان ما را هم

و عمل باشد امروز سخت کار ملاحظه میشود نه سلاست گفتار امروز در اول هر کاری دو ملاحظه واجب و لازم است یکی بر عهده کار رجوع کنند ماست که باید کار را که بوزیری تکلیف میکند نخست ملاحظه کرده بپند انوزیر لیاقت و استعداد آن کار را دارد یا نه ؟ در علمیات و عملیات شغل مرجوعه بصیرت دارد و بدقیق و جزئیاتش رسیدگی میتواند یا خیر دیگری بر عهده وزیریت که متقبل خدمت میشود و وزارت اداره را بعهده میگیرد باید در اول حال خود را ملاحظه کرده هنر و لیاقت خود را بانشغل سنجیده سرتاپای کار را دقت و رسیدگی نماید به پند از روی صحت و درستی از عهده بر می آید یا خیر ؟ اگر دید نمیتواند از پیش ببرد هرگز شغلی را متعهد نشود بداند که مسئولیت در کار است و این مسئله را هم باید دانست که مسئولیت کار مختص بوزیری نماییه نیست بلکه هر کس که متقبل خدمتی است مسئول است و زرا که مسئول مجلس مقدس میباشد و کلام هم مسئول ملتند کار ب مسئولیت نیست بالله عجب فراموشمانی هندوستان را که با سلطنتهای بزرگ دنیا مقابله میکند اگر یکی از رجال غیر قابل انگلیس و ا کذاب کنند وزیر می شود مثلا هزار لیره مواجب بدهند هرگز قبول نخواهد کرد و تن زبانی با کران نخواهد داد چون می بیند مسئولیت در کار است باید صحت عملا بر عهده گرفت باید مورد تویخ و سرزنش ملت انگلیس نشد علاوه باید پیش وجدان خود روسفیدی حاصل نمود نه آنکه شرمساری برد ولی این ملاحظاتی ابتدا در رجال مملکت ما نیست خود را لایق تمام کارهای بزرگ و مشاغل خطیره میدانند هر شغل بزرگ کبیرا که بر ناقابل ترین آنها تکلیف کنند فوراً بعهده میگیرند نه عدم لیاقت در خود قائلند نه دیگر را در خور ان مقام میدانند در هیچ کاری علم و عمل را مدخلیت نمیدهند بزرگی بزرگ و تعدد در شکی و کثرت عمل را با قطر شکم و هیئت متورم شرط اعظم و علت غائی پیشرفت امور می شمارند بزرگان امروز باید بدانند که تئیدانم و نمیتوانم نصیب بشوئات کبریای ایشان وارد نمی آورد ولی شغلی را بر عهده گرفته و در انجامش در مانند علاوه بر مسئولیت ملوم لوم و دچار طعنه قوم خواهند شد مورد سرزنش و ملامت و محمل طعن و شماتت میکردند طشت بی کفایتی از بام می افند و کوس بی لیاقتی بر سر بازار زده میشود پس باید بدون ملاحظه و تامل اقدام بکاری نکنند که گفته اند تامل ثم قبل وزیر باید کار دان و کارکن باشند از عالم بی عمل یا عامل بی علم نتیجه بدست نخواهد آمد وزیر باید تن پرور و راحت دوست و فراغت طلب نباشد راحت خود را در سایش نوع فاند بگروزی از روی تفنن تمک میوه میل فرمودن و سه روز بشکار رفتن و بگر و زبکر مابه تشریف بردن و بگفته در اندرون توقف دا

شفتن و شبهارا بعیش و عشرت صلح کردن مناسب باوضع امروزی نیست امروز دوره علم است و عمل هر و زبری باید معلومات و وزارتخانه خود را بداند نواقص اداره خود را اصلاح کرده و کار خود را منظم نماید فرضا اگر نماز شب خوان باشد ثوابش بخود او عاید خواهد شد اصلاح معایب مملکتی را نخواهد کرد و دلیل بر کفایت او نخواهد بود

(خلاصه مذاکرات دارالشوری بخشیه ۴ ذیحجه)

امروز جناب آقای معتمدالتولیه با جمع کثیری از اهل حضرت عبدالعظیم ع با تجلیل و احترام زیاد بسمت وکالت در مجلس مقدس حاضر شده تبریک و تمهینه گفته شد و اظهار شد با اینکه تمام وعاظ و جرائد مردمرا دعوت بانحاد و اتساق میکنند و با اینکه قریب دوسه هزار نفر از محترمین واصناف جناب معتمد التولیه را مشایعه کرده بهمرای ایشان آمدند پرروز عریضه تظلماته در این انتخاب بکمسیون اعتبارنامه دادند که اسباب درد سر کمسیون است انشاء الله طوری شود که رفع این اختلاف بشود گفته شد که این اختلاف محل اعتنا نخواهد بود و هر کس که بتوجب نظامنامه انتخاب شد مجلس او را می پذیرد اظهار شد که باید وکلائی که قسم یاد نکرده اند قسم یاد کنند گفته شد که باید این قسم قانونی باشد تمام ادارات دولتی و مستخدمین ادارات قسم یاد کنند بعد از آن داخل کار شوند گفته شد بعد از آنی که اعلیحضرت قسم یاد کنند البته باید تمام وکلا و وزرا و مستخدمین قسم یاد نمایند قرار شد وکلائی که قسم یاد نکرده اند در آخر مجلس قسم یاد نمایند (مجلس سری شد)

لایحه متصفاته یکی از غیر تمندان تبریز

مدیر محترم حبل المتین (ای طیب جمله غلتهای ما)
 مرضای وطن دسته دسته فوج فوج بمقاد الغریق
 بشتب بکل حشیش رو بسوی جراید خاصه بجزیده مقدسه
 شما آورده و امراض بیکر پریشان ایران را بد آن واسطه
 خدائی مینماید و هر یک بزبانی عرض میکند که شاید
 اطبای مملکت یعنی اولیای دولت را بر سررحم و مروت
 آورده و سد بلایای استقلال این خاک پاک نیاکن ما را بنماید
 شما هم از مخالفه ایام یکدست بر دل از غم و دینی بر
 آسمان دارید من بنده غمخیزه نیز اگر چه از کفایت و
 نوشتن درد وطن بارها لکد کوب استبداد گردیده و هنوز
 در قید محکم کوبه نظرانم که نویسن مگو خواوموش باش
 تصرف در معقولات مکن کرد مشروطه مکرد تمام عدالة
 میر معهدا عرض میکنم هر چه با با باد
 کردماغ من سرکشته خیال رخ دوست
 بحضای فلك و غصه دوران ترود
 بحث هجران وطن را مکن از خوش نویسی

پیش طوطی نتوان صوت بلند آواز داد
مکتوبی که بامضاً (بهادر السلطنه) در شماره
۱۶۷ جریده مقدسه درج فرموده بودید و حکایت از جهات
انقراض قطعه کردستان مینمود دل هر خواننده وطن
پرست را بدر می آورد اولاً باین اسلام قسم یاد مینامیم که
شخص بهادر السلطنه را نمی شناسم تا تصور بعضی تشییات
را در باره من بنده بنماید که مانند برخی اشخاص یکی
میگوید و دیگری تصدیق میکند ثانیاً بر حسب اطلاعاتیکه
در اوایل سلطنت شاه کبیر انارالله برهانه و مشه قتل
مرحوم شیخ محمد تقی پیشوای بینوای شیخان مقیمین سندج
بهم رسانیده عرض میکنم که این شخص بیفرض آنچه
نوشته است حق و شخص مشیر دیوان بی ایمان از مکر و بهای
مهلك خاك يك ايران است اکنون او را بگذاریم بحال خود
و بسپاریمش بدست انتقام خدای که اگر ادبی بنیاد را
تحریک بخیزات و تمک بحرامی دولت و ملة نمود
کور را خود این قضا همراه اوست

که مر او را اوفتادن طبع و خوست
از بیگانه بگذرید حال یگانه را بگریزید مأمورین باحمیه مارا
تماشاکنید که پوست و گوشت و استخوانشان پروریده
نمان و تمک دولت ایران است و امروز چگونه امتحان
غیرت و دولتخواهی را میدهند (حاجی صدخان) سردار
مقتدر که در این اواخر از طرف دولت بحکومت ساوجبلاغ
منتخب و مأمور طرد و تیبیه متجاوزین سرحدی بود
باآئمه یال و کویال شخصی و باآئمه استعداد توپ و
فتک دولتی که در شهر ساوجبلاغ مهیا بود بیک جزئی
همه پورش عشایر عثمانی توپخانه و قور خانه دولت اسلام
را که الاسلام یعلا و لایعلی علیه در شانتش نازل است بامید
مثنی اگر ادبی لجام گذاشته و مرد و مردانه دامن حمیه را
بر کمر زده بی واهمه از ساوجبلاغ فرار کرده
و در میان دو آب رحل اقامت انداخته است آفرین بر این غیرت
احسن بر این شجاعت که بدوزید چگونه مستمسک سیاسی و
بدون هیچ قسم چشم زخم یک نقطه معظم را بتصرف بوزینه کان
بی سروسامان میدهد که دولت علیه عثمانی نیز در مذاکرات رسمی از
آنها تبری میجوید شما را قسم بجد بزرگوار نان که این
حمیت و این غیرت را کوشید تمام مورخین بنماید که در
دفاتر تاریخ ثبت کرده و در صفحه روز بیادگار بگذارند که
این تمک پرورده مخصوص دولت و این سردار باحمیه سلطنت
در این دوره چه رشادت و حسن خدمتی بخرج داد والله جان
وماک و عرض و ناموس شیخان ایرانی را در میان اگر ادبی
ناموس گذاشته تاله و فر بادشان کوش فلكوا کر میکند
آری گفت از که بنالیم که از ماست که بر ماست وقتی
که دولت اینگونه اشخاص بی وجدان سرسریا در چنین

موقع باریک بحفظ حدود مملکت انتخاب نماید و حافظ
حقوق ملة قرار بدهد و قدر خدمات و زحمات امثال رشید المملک
حاکم اردبیل را منظور ندارد و میرزا صالح خان وزیر اکرم
و ابائمه حسنیه و صداقه و غیرت و وطن پرستی که پشت اندر
پشت خدمت بدو و مملکت کرده است بدون هیچگونه تصعیر
قانونی از حکومت کیلان معزول و بانصت هزار تومان قرض
آتش در قزوین رو بیک بگذارد این سزاست و اگر کوش دولت
تاله های بی رویی بهادر السلطنه را می شنید در اول و هله با دو فرج
سر باز سد تجاوزات اشرار سر حد کردستانرا مینمود امروز
بحیور تجهیز قشون عمده و اخراجات فوق العاده و حرکت شخص
فرمانفرمان میشد و خود را بمسرح و هرج نمی انداخت ماحرفی
در این نکته نداریم که امروز اقل سیاسی مملکتان از هر طرف
تیره و تاراست ولی اولیاً دولت لاجاله در این سنوات گذشته اجزاً
کارخانه استبدادرا شناخته میداند که از چه فلزند و امروز بدرد
مشروطه نمیشود تا کر بگویند انهار هنوز نشناخته و اسل و
نسبتا ترانیم (مثنوی باور ندارد این کلام) پس دانسته
و فهمیده اشخاص با کفایت غور را از امور خلع و اینگونه
مأمورین خائن یا حیونرا مصدر کار میکنند و در ساحل مقصود
می نشاندند که هر یک بشکی و هر کدام بطریقی سلسله انقراض
ایتنک را از شیراز و بندر بوشهر و انزلی و خراسان و آذربایجان
بهدیکر وصل کرده بیک مرتبه این سفینه آفت دیده را بخاک
مذلت بنشانند چنانکه معاینه می بینید روشی آفتابرا انکار نمیتوان
نمود آه آه دایس ما کیست وجه خواهیم شد میخاستم مکتوبرا
در اینجا ختم کرده و پیش از این در دسردهم شعله آشوب طهران
از دیروز اقل تبریز را نیز گرفته و تار و پود وجود آتش زد

(باز این چه شورش است که در خلق عالم است)

(باز این چه نوحه و چه غزا و چه ماتم است)

خدا ریشه مفسدین و از بیخ و بن برآرد دیگر طاقت
عرض ندارم و باین یک کلمه ختم میکنم (ولعنة الله على القوم الظالمین)
هر گاهیم از اغیار ندارید در نامه مقدسه درج فرمائید والا
مختارید (فدائی وطن عیسی بن مهدی)

(تلکراف از بوشهر به طهران)

توسط جناب صدر الانام خدمت جناب مستطاب مدیر
مخزم جریده فریده جبل المتین دام بقائه از زیارت نامه
مقدس که برای انجمن آزاد لنگه ارسال فرموده اند بنیای
متشکر شمرده تأسیس دبستان انجمن آزاد لنگه که علاوه
بر محال بودن برای عموم اطفال ایرانیان کفیل مخارج
لباس منزل ۱۲ شا کرد مستحق است مصدع مستدعیم
یک نفر معلم که کار ابتدائی و مقدمات تواند تهیه فرموده
شرایط را تلکرافاً اطلاع باضافه نیز مدرسه اکبر قریب
به ماماست مفتوح عموم تیار اهالی به تحصیل مشغول از
طرف انجمن آزاد علاه السلطان

(تظلم یکی از ابناء وطن)

جناب مدیر جلال المتین شمارا بجده تان زهرا عم مطالب
معروضه را در نامه مقدسه درج دارید شاید يك مسلمان يياد
مظلومان يفتندا اگر چه ميدانم اثرى نميكنند

(چه بودى كه يك كوش پيدا شدى)

(شنيدى فغانهاى مظلومرا)

ای امنا، ملتای وزراء دولت شمارا بالحق زمین وزمان
قسم میدهم كه مطلب را در مجلس مقدس مطرح نمایند و از وزارت
امور خارجه جدا نخواهند نمود چون سایر مطالب و حكایت اقبال الدوله
و متولى باشی و غیره كه چهار دقیقه اظهار حرارت نمایند از آغاز مجلس
تا كیون از ظلم و خيانت ارفع الدوله شكایتها نوشته و تظلمات
كردند عموم مقیمین خارجه در جراید و غیره ناله ها كرده و فریاد
هاتموده اند اثر نكرده است آخر برسید به بینید این مردها كركافی
و خیر خواهد دولت است این دادو بیداد چیست و اكر ظالم و
هتك است چرا از وزارت خارجه عزلشرا نميخوايد تا عموم
مسلمین خارجه از شرش آسوده شوند و تمام متوجه و فدائی این
اساس مقدس كردند آخر اینها مسلمانند و رعیت ایران شب و روز
منتظرند كه چاره درد آنها را نمایند جای تعجب است كه انبیه عجز و
الخالح كه دل سنگ را آب ميكنند بشما اثرى نكنند امر و زور و زبست
كه تمام اهالی ایران را چه در داخله و چه در خارجه بانواع اقسام متوجه
ساحت قدس خود دارند بهر وسیله ایست جلب اتحاد قلوب و از دیاد
قوه ملیه نمایند و كلاه ایلات را بخواهد متمم و كلا را طلب نمایند
خصوصاً از پوشش نه اینكه ابا كوش بعراض اهالی ندهید و بچاره
و عاید در زیر فشار استبداد بنانند كه در این بلوا قادر بنفس كشیدن
نباشد باز بغیرت مل تلسكراف بمجلس و رد مخالفین نمایند از
هر جای كه متظلم شدند جدا از وزیر مشغول بخواهد نه انكه
بدفع الوقت بگذرانید و بچاره ها خسته شده بروند چون علماء
لا در بجان و تم و غیره ما كركه خین كار در انجمنت كرده اید ولی اكر
مسئله ارفع الدوله را بجائی رسانید امید است رجائی برای متظلمین
پیدا شود در الا از این مقولات صرف نظر نمایم تا چه شود (فعل)
﴿ لایحه یکی از شاگردان مدارس خراسان ﴾

در شماره (۱۸۰) - جریده مقدسه جلال المتین مقاله
بمنوان (سود بنزبان و تجارت بی خسارت) مطالعه نموده
غرق دریای تعجب شدم كویا نكارنده محترم ان مقاله اغلب
مدارس جدیدة ایران را ملاحظه نموده و بجزئیات نواقص آنها
كاملاً برخوردار شده و بمسایب امور در ضمن ان مقاله اشاره فرموده
است این بنده دومدرسه از مدارس طهران را دیده و در هر
يك از آنها مدت قلین تحصیل كرده ام و اغلب مندرجات آن
مقاله را دران دومدرسه عیناً مشاهده نموده ام بارسال در
میت والدو والده بهزم زیارت و مجاورت وارد ارض اقدس
شده در اینجا از مدارس جدیده (مدرسه مظفری) بود
چند ماهی در این مدرسه به تکرار دروس سابقه مشغول گردیده

تمام ترتیبات این مدرسه را بدون كم و زیاد با اشارات مقاله مزبور
حرفاً بحرف مطابق دیدم بالاخره مدیر مدرسه مزبور
به ترشیز كه وطن اصلی اوست سفر كرده این مدرسه بكلی بزیچیده
شد آمدم بمدرسه معرفت این مدرسه كه بیعت و اقدام جناب
حاجی اسدالله تبریزی تاسیس یافته از اثر حسن نیت و ملة
خواهی مؤسس محترم از عنوان (تجارت بی خسارت)
بیرون و از باره معایب مصونست ولی دومنقصت عمده دارد
كه اكر باصلاح آنها بذل همت نمایند بعد از مدرسه مباركه
رحیمیه سعادت اول مدرسه منظم این شهر خواهد بود

اول اینكه مسئله تبدیل اعضاء و تغییر شاگردان و
تجدید اساسیه امر انتظام این اداره را خین مختل و معوق مینمایند
دویم انكه مؤسس محترم با اینكه شخص ای و بیسواد
محض است در جمیع جزئیات امور مدرسه باستقلال رای
خود رفتار مینماید و نقص او نیز از آثار همین فقره است
چنانچه در این چندماه كه بنده در این مدرسه هستم پنج نفر معلم
و دو نكت متجاوز از شاگردان تبدیل یافته و معلوم است كه
این يك نكته تاچه اندازه دروس و تحصیلات شاگردان را از
نظم و ترتیب می اندازد و اعضاء مدرسه را از كار مترجیر و
دلسرد مینماید و همین فقره در این اواخر باعث این شد كه
اعضاء مدرسه بیعت اجتماع استعفاء دادند و اكر چه بملاحظاتی
باز بمدرسه آمدند ولی جناب آقا سید حسین ادیب اردیبی
كه از فضلاء وطن پرست و زحمات و اهتمامات كامله و در انتظام
امور این مدرسه مدخلیت كلی داشت بر استعفاء خود بانی و
سكته بزرگ بر نظم و ترقی این مدرسه وارد شد و این نكته در
چین وقتی كه هنگام اصلاحات لازمه و مطابقت دخل و خرج
مدرسه نزدیک بود خین اسباب تاسف گردید خوب است
مؤسس غیور محترم محض اینكه اینهمه اهتمامات و زحمات
وطن پرستانه او بی نتیجه نماند امور مدرسه را بصوابدید يك
هیئت با بصیرت اداره نمایند و رعایت این نكته تا وقتی كه
قوانین اداره معارف ما مرتب و بجزرا گردد اسباب انتظام مدارس
ماتواند بود خدا یا برسان يك اهل دردی كه دردهای بی درمان
ما را ببیند و برای اصلاح مقاصد كرمهت بر میان بندد و
مخصوصاً بنای معارف ما را كه اساس جمیع ترقیات ماست بر
شالوده صحیح بگذارد

فدائی وطن - ك - شاگرد مدرسه معرفت در مشهد

﴿ اعلان ﴾

روزهای دوشنبه و جمعه در كلو بندك محاذی خانه
مرحوم آقا سید صالح در مركز مجمع انسانیت از صبح تا
شام بلیط داده میشود هر كس از اهالی آشتیان و قنبرش
و كركان میل بعضویت مجمع مزبور دارند حاضر شده بلیط
دریافت دارند (مجمع انسانیت)

(حسن الحسینی الكاشانی)